

## حماس و مسئله فلسطین (بنیادها و رویکردها)

حسین مهربان

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

حماس به عنوان قوی‌ترین و خیرسازترین سازمان فلسطینی برای رهایی ملت فلسطین از ظلم و جور رژیم غاصب، می‌کوشد تا زمینه مقابله با طرح‌های صهیونیستی برخوردار از حمایت نیروهای استکباری را آماده کند. حماس یک حرکت جهادی و بخشی از فرایند نهضت اسلامی مردم فلسطین است و این نهضت را بهترین شیوه برای حل مسئله فلسطین می‌داند. از این رو شناخت این جنبش، در گرو بررسی و تحلیل دقیق تحولات آن است و وصول به این نتیجه، جز با واکاوی بنیادها و بازشناسی رویکردهای این جنبش میسر نخواهد شد. بنابراین نوشتار حاضر در پی تبیین این موضوع خواهد بود. واژگان کلیدی: جنبش‌های اسلامی، فلسطین، حماس، خاور میانه، آمریکا، اسرائیل.

### مقدمه

مسئله فلسطین به عنوان محور معادلات خاور میانه، همواره در صدر اولویت‌های بازیگران و طرفهای ذینفع منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار رفته است. شکست‌های پی در پی اعراب و کشورهای عربی در جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و علایق رو به افزایش غرب به رهبری آمریکا در تقویت، حفظ و موجودیت استراتژیک رژیم صهیونیستی، فرایند تحول منطقه‌ای مطابق با برنامه‌های صلح آمریکایی را برای حل این مسئله رقم زد و به موازات این رویداد، رژیم صهیونیستی متأثر از تشویق‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا خیره‌سرت‌ر و

گستاخ‌تر شد. امضای قرارداد همکاری‌های استراتژیک میان رژیم صهیونیستی و آمریکا، الحاق بلندیهای جولان به رژیم غاصب فلسطین و نیز انهدام راکتورهای هسته‌ای عراق توسط بمب‌افکن‌های این رژیم نمونه‌ای از این گستاخی‌ها بود. بنابراین رادیکالیسم صهیونیستی با بهره‌مندی از این فضا به رشد و تحکیم پایه‌های قدرت خود ادامه داد. از طرف دیگر با از بین رفتن پشتوانه حمایتی اعراب و انفعال مفرط آنان، طرح انقلاب فلسطین از رویارویی با پروژه صهیونیسم به همزیستی مبدل گشت و البته در کنار این عقب‌نشینی‌ها ضرورت یک طرح و برنامه جهادی بیش از پیش احساس شد. بنابراین اواخر سال ۱۹۸۷ شرایط و بستر برای ظهور طرح نوین «اسلامی، جهادی» که با سلطه و نفوذ صهیونیسم مقابله کند و بر مبنای جدید و متناسب با دگرگونی‌های داخلی و خارجی استوار باشد، فراهم گردید.

از این رو جنبش مقاومت اسلامی حماس پاسخ طبیعی به شرایطی بود که ملت فلسطین و آرمان عدالت خواهانه آن از زمان اشغال کامل این کشور از سوی صهیونیست‌ها در سال ۱۹۶۷ به خود دیده بود.

### درآمدی بر شکل‌گیری و تکامل

حماس نام اختصاری «حرکه المقاومة الاسلامیه» است که شش روز پس از آغاز انتفاضه اول فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ به عنوان شاخه‌ای از جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین، توسط شیخ احمد یاسین شکل گرفت. دلیل تأسیس این جنبش که دارای گرایش‌های عمیق اسلامی است، شکست الگوهای چپ غیر مذهبی در بسیج اجتماعی و مبارزه چریکی علیه رژیم صهیونیستی به ویژه در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ و همچنین افول و جهت ناسیونالیستی فتح و تشدید سیاست‌های سرکوبگرانه اسرائیل در اراضی اشغالی بود.<sup>۱</sup>

از طرف دیگر فلسطین مانند بسیاری از کشورهای عرب شاهد گسترش بیداری اسلامی بود. این بیداری از دهه ۱۹۸۰ به بعد و به طور دقیق پس از انقلاب اسلامی ایران و به تأثیر از آن بود و همین امر باعث شد نهضت اسلامی فلسطین به لحاظ اندیشه و سازماندهی در فلسطین اشغالی و همچنین در میان محافل و مجامع فلسطینی خارج مرزها، رشد و توسعه یابد. حماس از بدو تأسیس تنها به عنوان یک نیروی جهادی، در اراضی فلسطینیان محسوب نگردید، بلکه این جنبش جایگزینی برای سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و دیگر گروه‌های فلسطینی به حساب آمد و بازیگر مهمی در صحنه مسائل فلسطین و سیاست‌های داخلی آن، قلمداد گردید.<sup>۲</sup>

حماس از بدو تأسیس برنامه‌های دوگانه‌ای را در پرتو گسترش همزمان جناح عملیاتی و جناح اجتماعی دنبال می‌کرد، در مجموع حوزه فعالیت این جنبش در زمینه‌های نظامی، رفاهی، آموزشی و امور خیریه در سراسر نوار غزه و کرانه باختری گسترش یافت. از آغاز سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش فعالیت‌های متنوع حماس موجب گردید در نواحی فقیرنشین، مدارس، دانشگاهها، بیمارستان‌ها، انجمن‌های صنعتی و تجاری و اردوگاههای پناهندگان حامیان فراوانی را سازماندهی نماید.

ظهور انتفاضه مردم فلسطین و شکل‌گیری حماس نگرانی دشمن صهیونیستی را بیش از پیش برانگیخت و سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیروهای ویژه امنیتی خود را برای پیگیری مسائل جنبش و شناسایی رهبران آن بسیج کردند. مقامات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی به محض اینکه دریافتند توده‌های مردم به فراخوان‌های جنبش در مورد اعتصابات و سایر فعالیت‌های مقاومت، راحت و سریع پاسخ می‌دهند و از آن استقبال می‌کنند، به دستگیری و بازداشت اعضا و رهبران جنبش روی آوردند. صهیونیست‌ها در پایان سال ۱۹۸۸ حدود ۲۱ تن از رهبران و کادرهای حماس از جمله عبدالعزیز الرنتیسی و ابراهیم الیازوری و صلاح الشحاده را بازداشت کردند. حماس هنوز این ضربه را پشت سر نگذاشته بود که در نیمه دوم سال ۱۹۸۹ دومین ضربه وارد شد و ۲۶۰ تن از بهترین کادرها و رهبران این جنبش و در رأس آنها شیخ احمد یاسین بازداشت شدند.<sup>۳</sup>

پس از این تاریخ شاخه نظامی جنبش به دستور شیخ احمد یاسین تحت عنوان «گردان‌های شهید عزالدین قسام»<sup>۴</sup> توسط موسی ابومرزوق، مسئول دفتر سیاسی (وقت) حماس تأسیس گردید و فعالیت‌های نظامی گذشته در داخل این گردان‌ها متمرکز شد. از این مرحله به بعد رویارویی جنبش حماس با نیروهای اسرائیلی، شکل دیگری به خود گرفت، و این مقابله قالب و سازمان منظمی پیدا نمود. از آغاز سال ۱۹۹۰ رویارویی همه جانبه این جنبش آغاز شد و ناگهان ۱۳۰۰ تن از کادرها و رهبران این جنبش در کرانه باختری و غزه دستگیر شدند. از این تاریخ جنبش حماس با شهدا و بازداشت شدگانش توانست پایگاه مردمی گسترده‌تری پیدا کند و از مساجد، دانشگاهها و مدارس، جوانان تازه نفس به این جنبش ملحق گردیدند. پیمان اسلوبه سال ۱۹۹۳ به رغم کاهش تعداد بازداشت شدگان این جنبش به ویژه در نیمه اول روند صلح و به طور خاص پس از سال ۱۹۹۶ م برای حماس مرحله‌ای سخت‌تر بود. زیرا اقدام نظامی به دلیل رویارویی با دولت خودگردان فلسطین و از طرف دیگر تلاش حماس برای حفظ انسجام

درونی کاهش پیدا کرد. در این مرحله هوا داری از جنبش حماس همچنان رو به گسترش بود و علت این موضوع ادغام جنبش فتح در دولت فلسطین و فساد حاکم بر سیستم آن بود. و از طرف دیگر به عقلانیت حماس مرتبط بود که با وجود دستگیری تعداد زیادی از فعالان و رهبران این جنبش، همچون عبدالعزیز الرنتیسی، محمود الزهار، ابراهیم المقادیه و غیره توسط دولت خودگردان فلسطین این جنبش به روند رویارویی با دولت فلسطین کشیده نشد. در خلال انتفاضه اقصی بزرگترین فرصت برای جنبش حماس پدید آمد و فلسطینی‌ها پیرامون مقاومت و مبارزه مسلحانه تا عملیات شهادت طلبانه به یک اجماع کلی رسیدند و از این جهت حماس پایگاه مستحکمی در جامعه فلسطین و دیگر گروهها به دست آورد. طی این دوره رژیم صهیونیستی از هیچ راهکاری برای تعقیب، ترور، بازداشت و حتی تخریب خانه‌های رهبران و هواداران این جنبش فروگذار نکرد.<sup>۵</sup>

از سال ۲۰۰۰ میلادی پس از آغاز انتفاضه سوم، زنجیره‌ای از ترورها آغاز شد و عبدالعزیز الرنتیسی، شیخ احمد یاسین و تعداد زیادی از کادرهای این جنبش به شهادت رسیدند. از نگاه رهبران رژیم صهیونیستی استقرار دولت خودگردان فلسطین و روند سازش کارانه این دولت و انفعال روزافزون رژیم‌های عربی و نیز ترور رهبران حماس، نقطه پایان فعالیت و حیات این جنبش محسوب می‌گردید، اما با توجه به پایگاه جنبش حماس در بین جوانانی که در درون مقاومت تربیت شده بودند و از طرفی حضور رهبرانی ناشناخته و در سایه که در هر زمان، آمادگی رهبری حماس را داشتند، این اقدام مذبحخانه دولت غاصب فلسطین به شکست انجامید و سرانجام دور دیگری از پیروزی‌های حماس با آغاز تاکتیک و رویکرد جدید و پیروزی در انتخابات شوراها و انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ رقم خورد و همچنان حیات و مقاومت این جنبش اسلامی و مردمی به رغم فشارها و بحران‌های داخلی و دسیسه‌های خارجی ادامه یافت.

### میثاق، فلسفه وجودی و دکتین حماس

در ۱۸ اوت ۱۹۸۸ م جنبش مقاومت اسلامی حماس میثاقی را منتشر کرد که در آن فلسفه وجودی دکتین خود را در قبال مسئله فلسطین مطرح نمود. در اینجا به دلیل اهمیت این میثاق قسمت‌هایی از آن ارائه می‌گردد:

- حماس یک جناح از جناح‌های اخوان المسلمین در فلسطین و تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین می‌باشد.

- حماس یک جنبش معتبر و برجسته فلسطین است، که ولایت خود را به الله داده و روش زندگی را از اسلام گرفته است و برای برافروختن پرچم الله بر جای جای فلسطین تلاش می‌نماید.

- حماس یک جنبش جهانی است و بر این اساس باید به آن نگرسته شود و اهمیت آن درک گردد و نقش آن به رسمیت شناخته شود.

- شعار جنبش همان شعاری است که گروه اخوان المسلمین برافراشته‌اند: هدف آن الله، رهبرش رسول خدا(ص)، و قانونش قرآن است. و نیز جهاد روش آن و مردن در راه خدا عالی‌ترین آرمان آن است.

- سرزمین فلسطین سرزمین موقوفه اسلامی و وقف شده بر نسل‌های مسلمانان تا روز قیامت است. چشم‌پوشی از تمام و یا قسمتی از آن درست نیست و این امر در دست هیچ‌کشور عربی و هیچ سازمان فلسطینی و با عربی نیست و چنین حقی ندارند.

- حماس معتقد است، اسلامی بودن فلسطین، جزئی از دین ماست و هر کس از دین خود بگذرد، زیان کرده است.»

- حماس معتقد است، هرگاه سازمان آزادیبخش فلسطین، اسلام را به عنوان روش زندگی برگزیند، ما سربازان آنها خواهیم بود.»

- حماس از دست دادن هر قسمت از فلسطین اسلامی را از دست دادن قسمتی از دین می‌داند.»  
- حماس به دیگر جنبش‌های اسلامی با دیده احترام و تقدیر می‌نگرد.»

- حماس دست جنبش‌های ملی را، تا زمانی که اختیار خود را به شرق کمونیست و غرب صلیبی ندهند می‌فشارد.<sup>۶</sup>

شیخ احمد یاسین بنیانگذار این جنبش مدتی قبل از شهادت طی مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط میثاق این جنبش و فلسفه وجودی دکترین حماس را اینگونه معرفی می‌نماید:

حماس همه مواضع خود را با تاسی از اسلام آغاز کرده است، از همین رو معتقد است این مواضع نه تنها برای ملت فلسطین، بلکه برای ملت‌های عربی و اسلامی نیز با ارزش خواهد بود. در فلسفه وجودی ما، فلسطین جزئی از سرزمین‌های عربی و اسلامی است و این حق نباید هرگز فراموش شود.

مردم فلسطین در هر کجای دنیا که باشند متحدند؛ ملت فلسطین مجموعه‌ای واحد است و نمی‌توان آن را از امت عربی و اسلامی جدا کرد، این حق مشروع ملت فلسطین است که برای

پایان دادن به اشغال سرزمین‌هایش از مقاومت مسلحانه استفاده نماید. این ملت تمام نیرو و انرژی خود را برای پایان دادن به اشغال و تشکیل کشوری مستقل با پایتختی بیت‌المقدس و بازگشت همه آوارگان به کشورشان به کار خواهد بست و احدی حق ندارد این حقوق را وجه المصلحه امتیازات سیاسی قرار دهد.<sup>۷</sup>

## هرم پنهان رهبری

از طریق مطالعه گزارش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، می‌توان دریافت که تشکیلات و رهبری جنبش حماس موفقیت‌آمیز عمل کرده و با وجود موج سرکوب و ترور و بازداشت‌ها، در صفوف اعضای حماس خللی ایجاد نگردیده و فعالیت‌ها و خط مشی این جنبش در سه عرصه سیاسی، نظامی و اجتماعی تداوم یافته است. براساس برآوردهای تخمینی سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی، کادر رهبری جنبش حماس مطابق مصوبات مجلس شورا و سازمان عالی اجرایی و سرویس‌های فنی اجرایی عمل می‌کند. قلمرو اجرایی این چهارچوب‌ها کرانه باختری و نوار غزه و نیز فلسطینی‌های ساکن دیگر مناطق جهان می‌باشند.

منابع جنبش حماس تأکید می‌کنند که تمرکز زدایی یکی از اصول اجرایی جنبش محسوب می‌شود، اما این جنبش در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات اصلی و راهبردی ناگزیر است مشارکت همه بازوان اصلی را علی‌رغم پراکندگی و تنوع جغرافیایی و تخصص اعضا جلب نماید. از این رو باید به این نکته مهم اشاره کرد که هرم تصمیم‌گیری و ساز و کار رهبری در جنبش حماس همچنان پوشیده مانده است و سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و منابع امنیتی دولت خودگردان نیز آگاهی چندانی از این رهبری فعال و موفق ندارند. شاید به همین دلیل باشد جنبش حماس طی سال‌ها مقاومت از قدرت بالایی در بهره‌گیری از گزینه‌های متعدد و برخورد با متغیرهای سیاسی و امنیتی برخوردار بوده است. آنچه مشخص است جنبش حماس فعالیت خود را از طریق پنج دفتر دنبال می‌کند. نخست، دفتر سیاسی حماس، که هم اکنون خالد مشعل ریاست آن را به عهده دارد. دوم، دفتر تبلیغات. سوم، بازوی نظامی جنبش که به گردان‌های شهید عزالدین قسام شهرت دارد. چهارم، دفتر ارتباطات مردمی حماس و پنجم، پس از انتخابات پارلمانی و پیروزی این جنبش نخست‌وزیر، وزراء و کادر اجرائی دولت نیز به این دفاتر اضافه گردیدند. همچنین تعدادی از کادرهای شناخته شده حماس وجود دارند که اطلاع چندانی از موقعیت ورده تشکیلاتی آنها در دست نیست. آنها عمدتاً تحت عنوان رهبران یا نمایندگان جنبش و یا اعضای دفتر سیاسی معرفی می‌شوند.<sup>۸</sup>

## انتفاضه؛ مبنای تفکر راهبردی

برای درک مفهوم انتفاضه به عنوان مبنای تفکر راهبردی حماس، می‌توان با مراجعه به منشور این جنبش به اهمیت استراتژیک آن واقف گردید. در مادهٔ یازدهم منشور آمده است: «جنبش مقاومت اسلامی معتقد است که سرزمین فلسطین، تا ابد زمین وقف اسلامی و مختص مسلمانان است و هیچ رئیس، پادشاه کشور و یا سازمان عربی و یا فلسطینی حق ندارند نسبت به این زمین بی تفاوت و یا آن را ضایع کنند و یا از بخش و جزئی از آن چشم‌پوشند.» همچنین در مادهٔ پانزدهم منشور نیز با اشاره به اینکه جهاد برای آزادی فلسطین واجب عینی است، آمده است:

«روزی که دشمنان بخشی از سرزمین مسلمین را غصب کنند، جهاد بر هر مسلمانی واجب عینی می‌گردد. در رویارویی با اشغالگران یهودی فلسطین، باید پرچم جهاد را برافراشت؛ و این خود مستلزم نشر آگاهی و ارتقای فرهنگ اسلامی عامه مردم در ابعاد منطقه‌ای، عربی و اسلامی می‌باشد و باید روحیه جهاد و دشمن‌ستیزی و پیوستن به صف مجاهدان را در میان امت پرورش و تسری داد.»

مادهٔ بیست و هفتم در خصوص موضع جنبش نسبت به سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) آمده است:

«سازمان آزادیبخش از نزدیک‌ترین نزدیکان به جنبش مقاومت اسلامی است.»  
مادهٔ سیزدهم نیز می‌گوید:

«طرحها و به اصطلاح راه‌حلهای مذاکره و سازش و همچنین برگزاری نشست‌های بین‌المللی در خصوص مسئله فلسطین با باورهای جنبش مقاومت اسلامی در تعارض و تقابل است. مسأله فلسطین را راه حلی جز جهاد نیست و ابتکارات، طرح‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی ائتلاف وقت و بیهوده است.»<sup>۹</sup>

بنابراین جنبش حماس از آغاز انتفاضه (۱۹۸۷/۱۲/۹) همواره روی ادامه فعالیت پافشاری کرده است. حماس انتفاضه را حلقه‌ای از زنجیرهٔ جهاد علیه موجودیت صهیونیستی و یکی از نمادهای نفی اشغالگری و سلطه و ستم می‌داند.<sup>۱۰</sup> بنابراین در سیر عملگرایی خود چندین مرحله را پشت سر گذاشته است:

دورهٔ اول: از ابتدای تشکیل حماس در سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۳، یعنی سال استقرار سلطه تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه مربوط می‌شود. نداشتن تجربه کافی،

کمیاب امکانات و تجهیزات، عدم تقسیم وظائف، رابطه دوستانه با رزمندگان سایر گروهها به ویژه گروه فتح و اطلاعات کمتر صهیونیستها از این جنبش، مشخصه بارز این دوره است. طی این دوره ۸۳ عملیات مهم توسط حماس به اجراء درآمد.

دوره دوم از استقرار تشکیلات خودگراگان تا مذاکرات کمپ دیوید دوم در سپتامبر ۲۰۰۰ می باشد؛ رفع نقیصه ها و کمبودهای دوره اول، حضور تشکیلات خودگردان به عنوان یک مانع و دستگیری رهبران حماس توسط آن، اجرای طرح های ترور فرماندهان نظامی و سیاسی حماس توسط رژیم صهیونیستی و نیز ورود نوع جدیدی از عملیات به نام «عملیات استشهادی» به صحنه نبرد، از ویژگیهای این دوره به شمار می آید.

دوره سوم از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، زمان بازدید آریل شارون (نخست وزیر و رئیس وقت حزب لیکود) از مسجد الاقصی شروع شد و نام انتفاضه الاقصی به خود گرفت و تاکنون ادامه دارد، از ویژگیهای این دوره، توانایی تولید مواد منفجره و موشک های ابتکاری در داخل، و به کارگیری سلاح خمپاره و افزایش بی سابقه عملیات استشهادی علیه صهیونیستها بوده است. بنابراین حماس در سیر عملگرایی خود و طی سال های انتفاضه، در راه آزادی فلسطین و قدس شریف، شهدا و قربانیان فراوانی تقدیم کرده است. براساس تازه ترین داده های مراکز آماري صهیونیستی و فلسطینی بیش از پانصد هزار نفر از هواداران و کادرهای این جنبش به تناوب در بازداشت گاههای دسته جمعی رژیم صهیونیستی به اسارت درآمده اند و تعداد زیادی از آنها در این شکنجه گاهها به شهادت رسیده اند. بر پایه گزارش اخیر وزارت امور اسیران فلسطین، اشغالگران صهیونیست از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ (آغاز دور سوم انتفاضه) تاکنون بیش از ۶ هزار کودک فلسطینی را اسیر کرده و برای واداشتن این اسیران به اعتراف از ۱۵۰ شیوه شکنجه استفاده کرده اند.<sup>۱۱</sup>

## میهن گرایی اسلامی

فهم جنبش مقاومت اسلامی از مسئله فلسطین، براساس منطق ملی و پایه های دینی استوار است و این جنبش مفهوم ملی گرایی را بخشی مهم از ساختار ایدئولوژی اسلامی خود و یکی از ابعاد مسئله فلسطین می داند. جنبش حماس در تدوین موضع خود در قبال جنبش های ملی فلسطینی که بازتابی از دیدگاه این جنبش نسبت به مفهوم ملی گرایی محسوب می شود به همه گرایش های ملی فعال در صحنه فلسطین که در راه آزادی فلسطین فعالیت می کنند، اطمینان



می‌دهد که پشتیبان و تکیه‌گاه نیرومند آنهاست.<sup>۱۲</sup> زیرا از نگاه این جنبش میهن‌گرایی توصیف وطن به مثابه قطعه خاک نیست، بلکه صفتی برای آرمان یک وطن است، بنابراین میهن‌گرایی فلسطینی معادل منطقی مفهوم مبارزه و پیکار آزادیبخش و مقاومت علیه اشغالگران شده است، از این رو حماس، با ورود به مرحله مقاومت و جهاد عملی، خود را با مقیاس‌های ملی ارتقا داد و مشروعیت فعالیت‌های خود را در صحنه فلسطین اثبات کرد، جنبش حماس با این رویکرد مناسبات میان ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان را بهبود بخشید و پیوندهای میان ایمان به خدا و ایمان به وطن و سجد در برابر خدا و ایستادگی در برابر دشمن را مستحکم نمود، و برخلاف سایر جریان‌های صرفاً ملی در عرصه تحولات فلسطین وحدت وطن را بر وحدت برنامه مقدم دانست.<sup>۱۳</sup> بنابراین حماس در جریان انتفاضه و طی ۲۰ سال حیات خود، آشکار ساخته است که میهن‌دوستی بخش جدایی‌ناپذیری از بنیادها و مفاهیم فکری‌اش به شمار می‌آید.

ایاد البرغوثی<sup>۱۴</sup> در این زمینه می‌گوید:

جنبش مقاومت اسلامی حماس علاوه بر پیوند با منظومه جنبش‌های اسلامی جهان عرب و جهان اسلام و برخورداری از امتیازات فراوان آنها در راه مبارزه و تداوم حرکت اسلامی خود از خصلت و ویژگی فلسطینی نیز برخوردار است، این خصلت و ویژگی از خصوصیات مسئله فلسطین به شمار می‌آید، که با مبارزات ملی فلسطین طی سال‌های طولانی به دست آمده است.<sup>۱۵</sup>

### تکثرگرایی دینی

جنبش مقاومت اسلامی از تسامح اسلام در برخورد با پیروان دیگر ادیان، الگو می‌پذیرد و معتقد است، پیروان ادیان سه‌گانه اسلام، مسیحیت و یهودیت می‌توانند در امنیت کامل با یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و با اتکا به این روند و این تعامل سازنده، کلید حل مسئله فلسطین را در دستان خود بیابند. حماس از تکرار برخی تجربه‌های تلخ در صحنه فلسطین و تحمیل دیدگاه واحد یا بسط نفوذ اعتقادی و تشکیلاتی خود همواره پرهیز نموده است. بنابراین، حماس، تبلیغاتی که این جنبش را به طایفه‌گری، تعصب، یهودستیزی و بنیادگرایی متهم می‌نمود، مرتفع ساخته است. زبان مشترک این جنبش در گفتگو با همه ادیان موجود در فلسطین، بر محور ستم‌های مردم فلسطین، سرزمین‌های غصب شده و آوارگان بی‌پناه استوار بوده است.

مسیحیان: یکی از اصول پایه‌ای حماس در روابط با مسیحیان، سندی است که در ژوئیه

۱۹۹۱ منتشر گردید، مطابق این سند:

۱. مسیحیان فلسطین بخش جدایی‌ناپذیر از ملت فلسطین، ملت عرب و هویت تمدنی آن به شمار می‌روند؛

۲. مسیحیان فلسطین از حقوق برابری با سایر فلسطینی‌ها برخوردارند؛

۳. بزرگداشت مناسبت‌ها و اعیاد دینی مسیحیان در قالب بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها؛

۴. دعوت از مسیحیان برای عدم مهاجرت و مقابله با اعمال رژیم صهیونیستی؛

۵. تأکید بر اهمیت مشارکت مسیحیان در حیات سیاسی و مبارزاتی مردم فلسطین؛

۶. تلاش برای برقراری روابط با رهبران دینی و سیاسی مسیحیان و بهره‌برداری از آن در

موضوع‌گیری‌های عمومی و ملی.<sup>۱۶</sup>

از این رو، طی ۲۰ سال حیات حماس، ارتباط قلبی عمیق میان حماس و مسیحیان فلسطین وجود داشته است. عمق این ارتباط متقابل را در اظهارات بطرس لُطفی اَللّحم رئیس کلیسای رُم کاتولیک در قدس و در واکنش به تبعید ۴۱۳ تن از فلسطینی‌ها به اتهام وابستگی به حماس (در اواخر دسامبر ۱۹۹۲) می‌بینیم. وی در سخنرانی خود علیه این اقدام چنین گفت: همه ما در یک سنگر ایستاده‌ایم، اگر اینها تبعیدی هستند، همه ما تبعیدی هستیم اگر آنها تروریست هستند، همه ما تروریست هستیم و اگر آنها بنیادگرا هستند، همه ما بنیادگرا هستیم.<sup>۱۷</sup> یهودیان: حماس یهودیان فلسطینی ساکن در سرزمین‌های قبل از سال ۱۹۴۸ م را برادر و هم‌وطن خود می‌داند و بارها تأکید نموده است. این جنبش از یهودیانی متنفذ است که در چهارچوب تفکرات الحادی صهیونیسم به اشغال سرزمین فلسطین و نقض حقوق اساسی فلسطینیان پرداخته‌اند. شهید شیخ احمد یاسین بنیانگذار حماس (در دسامبر ۱۹۹۸) در این مورد می‌گوید: ما از یهودیان به عنوان اینکه یهودی‌اند متنفذ نیستیم. ما با یهودیان هم‌وطن خود نمی‌جنگیم، ما آماده‌ایم با یهودیان هم‌وطن خود در بهترین شرایط ممکن در برادری و همکاری زندگی کنیم، ما با کسانی می‌جنگیم که حقوق ما را زیر پا گذاشته‌اند و سرزمین و خانه‌هایمان را از ما گرفته‌اند، ما با کسانی می‌جنگیم که ما را می‌کشند، و به حقوق ما تجاوز می‌کنند.<sup>۱۸</sup>

## وحدت ملی

جنبش مقاومت اسلامی حماس، در طی تاریخ پر فراز و نشیب خود بر این نکته تأکید داشته که اختلاف و تشّت در داخل فلسطین به مسئله فلسطین و اتحاد این ملت ضربه زده، و تداوم این وضعیت راه را برای طرح‌های سیاسی که هدف آنها، زیر پا گذاشتن حقوق ثابت ملت فلسطین است، هموار می‌سازد. در همین راستا حماس همواره بر لزوم و ترجیح منافع ملی بر هر منافع دیگری تأکید کرده است. این جنبش وحدت ملی را بنیادی ناگسستنی و

امری ضروری برای تداوم مقاومت و حمایت از طرح آزادیبخش ملی، تا زمان اخراج اشغالگران از خاک فلسطین و بازگرداندن حقوق غصب شده خود می‌داند.

از این رو سیاست‌های استعماری صهیونیسم بین‌الملل و ترسیم معادلات پیچیده و راه‌حل‌های یک جانبه توسط نظام سلطه جهانی، هدفی جز پاره پاره کردن ملت فلسطین نداشته‌اند. برای مقابله با این اقدام، حماس در تاریخ ۲۰ ساله خود، علی‌رغم تضادهای فکری و عقیدتی موفق شد، زمینه همکاری سازنده با طیف‌های گوناگون سیاسی را فراهم نماید و به تحمیل فرمول‌های برتری جویانه و معرفی خود به عنوان مرکزیت فرماندهی مقاومت نپردازد.

در دسامبر ۱۹۹۳ م و در طی برگزاری اجلاس مادرید، فرمول‌های ارائه شده مبارزه از سوی حماس با هدف تشکیل فرماندهی متحد برای همه نیروهای معارض به نام «اتحاد نیروهای فلسطینی» نسبت به طرح‌های دیگر از عمق و جامعیت بیشتری برخوردار بود.

در این فرمول پیشنهادی ایجاد فرماندهی جمعی برای نیروهای فلسطینی پیش‌بینی شده بود که ۴۰ درصد از اعضای آن از حماس و ۶۰ درصد دیگر از بین نیروهای معارض و مستقل باشد. این نسبت در مقایسه با وزن اجتماعی و قدرت حماس بسیار پایین بود، از این رو باید گفت که دگرپذیری جنبش حماس و تلاش در جهت اتحاد ملت فلسطین اصل قابل توجهی از رویکردهای حماس را به خود اختصاص داده است. این روش حتی در آغاز مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۶ و نطق‌های پس از پیروزی رهبران این جنبش مشهود بود.<sup>۱۹</sup> بخشی از بیانیه این جنبش که در تاریخ ۱۹۹۱/۱۱/۶ و تحت عنوان «پیام به عقلای وطن‌گران سنگ ما» منتشر گردید، و هنوز به آن استناد می‌گردد، چنین می‌گوید:

- اختلاف در دیدگاهها و موضع‌گیری‌ها و اجتهادات سیاسی امری طبیعی و پدیده‌ای سالم است که در میان همه ملت‌های جهان جریان دارد.

- این حق هر کسی است که دیدگاه و اجتهادات و باورهای خود را با روش‌هایی که آن را مناسب تشخیص می‌دهد بیان کند به شرط آنکه این روش‌ها از تشنج و رویارویی به دور باشد.

- ما روش‌های سلطه‌جویانه و بستن دهانها و ترور دیدگاه دیگران یا نادیده گرفتن آن و یا تحقیر منزلت و جایگاه آن را قاطعانه رد می‌کنیم، زیرا هیچ کس حق ندارد دیدگاه خود را بر دیگران تحمیل کرده و خود را قیّم مردم بدانند.

- تا زمانی که انتخابات آزاد و بی‌طرفانه برای کشف نماینده اکثریت مردم برگزار نشده، هیچ نیرویی حق ندارد خود را اکثریت بدانند و دیگران را اقلیت. هرگونه ادعا در این زمینه گمان و توهم به شمار می‌رود که هیچ پایه و اساس منطقی ندارد.<sup>۲۰</sup>

## نفی طرح ایجاد تشکیلات خودگردان

پس از پذیرش طرح «غزه-اریحا» توسط یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین (به تاریخ ۱۰/۸/۱۹۹۳) مبنی بر عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از غزه و اریحا و از طرف دیگر مذاکرات محرمانه صلح «اسلو» (به تاریخ ۱۳/۹/۱۹۹۳) در خصوص تدابیر مربوط به خودمختاری و دوره انتقالی و همچنین توافق قاهره (به تاریخ ۶/۵/۱۹۹۴) که سرانجام منجر به شناسایی رسمی دو طرف و تأسیس تشکیلات خودگردان گردید مواضع و سیاست‌های واکنشی حماس در قبال این مذاکرات و تشکیل دولت خودگردان آغاز گردید، علت اتخاذ این رویکرد توسط حماس عبارت بودند از:

- این مذاکرات برای ملت فلسطین چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه سرزمینی نتیجه‌ای نداشت و این مذاکرات هرگز پاسخگوی دردها و رنج‌های ملت فلسطین نبود و به مؤلفه‌های اصولی و مبنایی مسئله فلسطین نپرداخته بود.

- پس از تشکیل دولت خودگردان اوضاع معیشتی مردم فلسطین بهبود نیافت و به دلیل انحصار قدرت با بحران‌های بیشتری مواجه گردید.

- موضوع آزادی زندانیان فلسطینی از زندان‌های رژیم صهیونیستی مسکوت ماند و از سوی دیگر به دلیل محوریت و حاکمیت استبدادگونه ساف در تشکیلات خودگردان، دموکراسی ملت فلسطین سرکوب گردید.

- سیاست تسلیم‌سازی تشکیلات خودگردان ادامه یافت، زیرا در بعضی شرایط کمک کشورهای کمک‌کننده، به حسن سلوک تشکیلات خودگردان و میزان پایبندی آن به قراردادهای منعقد شده مشروط می‌گردید.<sup>۲۱</sup> بنابراین جنبش مقاومت اسلامی حماس، تشکیلات خودگردان را چیزی فراتر از تراوش قراردادهای همزیستی با دشمن صهیونیستی نمی‌داند و معتقد است صهیونیست‌ها با ایجاد این تشکیلات موافقت کردند تا مجموعه‌ای از اهداف خود را در کوتاه مدت و دراز مدت محقق سازند، این تشکیلات که از سوی پلیس سی هزار نفری پشتیبانی می‌شود، خود را ملزم به اجرای تعهدات مندرج در قرارداد با رژیم صهیونیستی و متعهد به مقابله با عملیات مقاومت و در هم کوبیدن گروه‌های مقاومت و یا تضعیف آنها به بهانه صیانت از فرایند سازش می‌داند.

از این رو رژیم صهیونیستی تشکیلات خودگردان را به عنوان وسیله‌ای برای به رسمیت بخشیدن به اشغالگری خود به کار گرفته است؛ برای مثال، تشکیلات خودگردان با احداث راه‌های

کمربندی برای شهرک‌نشینان موافقت کرد و با این کار، به حضور زورمداران صهیونیست‌ها مشروعیت بخشید.

جنبش حماس به خوبی می‌داند که صهیونیست‌ها می‌کوشند با پنهان شدن در ورای تشکیلات خودگردان، از رو به رو شدن با جنبش و برنامه‌های جهادی آنها اجتناب ورزند. از این رو جنبش حماس به این نتیجه رسیده است که سرگرم شدن به رویارویی نظامی با تشکیلات خودگردان هدفی از اهداف مهم صهیونیست‌ها و بخش مهمی از مطامع آنهاست. به همین دلیل کادر رهبری حماس پس از آرامش نسبی و استقرار در شهر غزه، قاطعانه از درگیری با تشکیلات خودگردان خودداری می‌نماید. و این در حالی است که تشکیلات خودگردان در حوزه عملکرد خود طی سالهای استقرار، رفتاری سرکوب‌گرانه و ناقض حقوق بشر داشته و تا سر حد ترور رزمندگان مجاهد حماس و تیراندازی به سوی نمازگزاران فلسطینی پیش رفته، و صدها تن از مردم را به بهانه حمایت از حماس، بازداشت نموده و آنها را در برابر انواع شکنجه‌های قرون وسطایی قرار داده و تعدادی از آنها را به شهادت رسانده است.<sup>۲۲</sup>

### نفی طرح‌های سیاسی صلح

حماس به استناد منشور و ایدئولوژی اسلامی خود «فلسطین را وقف همه نسل‌های مسلمان می‌داند و اعتقاد دارد که چشم‌پوشی از هر بخش از سرزمین فلسطین، چشم‌پوشی از بخش‌هایی از دین اسلام است» و از همین جهت با هرگونه راه حل سیاسی که در آن بخشی از سرزمین فلسطین به رژیم صهیونیستی واگذار شود، مخالف است؛ به عنوان مثال جنبش حماس قرارداد «اسلو» را توطئه‌ای بزرگ برای پایمال کردن ملت فلسطین و حقوق حال و آینده آن می‌داند. همچنین معتقد است که طرح صلح مادرید، هیچ یک از جنبه‌های حاکمیت و استقلال و تعیین سرنوشت و بازگشت آوارگان فلسطینی را مورد توجه قرار نداده، بلکه فقط برای ساکنان کنونی فلسطین حق خودگردانی در نظر گرفته است.

براساس همین اصول جنبش مقاومت اسلامی، طرح‌هایی چون طرح بیکر، مبارک، غزه-اریحا، قاهره، طابا و غیره را رد کرده و آن را به منزله بستن پرونده فلسطین و محرومیت این ملت از پی‌گیری مطالبات و حقوق مشروع خود می‌داند؛ بنابراین موضع‌گیری و رویکرد اصولی حماس درباره طرح‌های سیاسی سازش را می‌توان چنین بیان کرد.

- آگاه ساختن مردم فلسطین نسبت به عواقب خطرناک سازش و قراردادهای ناشی از آن.

- تلاش در جهت سازماندهی و ایجاد ائتلاف میان گروه‌های معارض روند سازش.

- پافشاری بر ضرورت عدم پایبندی «ساف» به قراردادهای منعقد و خروج از روند مذاکره با اسرائیل.

- تشدید عملیات نظامی و هدف قرار دادن عمق رژیم صهیونیستی با هدف ابراز عدم پایبندی فلسطینی‌ها به پیمان‌های منعقد شده.

- انجام فعالیت‌های مسالمت‌آمیز از قبیل اعتصابها، تظاهرات و تحصن در چهارچوب تلاش برای ساماندهی افکار عمومی.

- بهره‌گیری از گفتمان سیاسی مخالف روند صلح، همراه با بررسی نتایج منفی آن، با هدف تبیین ناکامی‌های این طرح‌ها در تحقق حقوق ملت فلسطین.

- برقراری ارتباط و مذاکره با محافل رسمی و غیر رسمی عرب و جهان اسلام، به منظور تبیین مواضع حماس و جلب حمایت و پشتیبانی سیاسی آنها.<sup>۲۳</sup>

### تاکتیک‌پذیری و مشارکت سیاسی

در ماه مارس ۲۰۰۴ حماس خط مشی جدیدی را برای فعالیت‌های خود ارائه کرد و با یک چرخش تاکتیکی به منظور تحقق اهداف ثابت پا به مرحله مشارکت سیاسی در عرصه تحولات سیاسی فلسطین نهاد که سرانجام به پیروزی در انتخابات پارلمانی و تشکیل دولت انجامید. علت رویکرد مسالمت‌آمیز حماس و اتخاذ این تاکتیک و ابعاد مختلف آن را می‌توان چنین شرح داد:

ابومازن که پس از مرگ یاسر عرفات، ریاست تشکیلات خودگردان را برعهده گرفت همواره تلاش نموده تا جایگاه و برتری فتح را در مبارزه (البته مبارزه مسالمت‌آمیز) با رژیم صهیونیستی حفظ نماید. با وجود این، رویکرد صرفاً سیاسی وی سبب گردید میان گروه‌های سنت‌گرا و نسل جدید فتح انشعاب به وجود آید و وی نتواند چنان که باید، هماهنگی و وحدت و انسجام فتح را حفظ کند. همچنین عملکرد مثبت سایر گروه‌های جهادی در استمرار مقاومت تا حدودی چهره مردمی فتح را کاهش داد. از طرف دیگر ابومازن از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای، مجامع بین‌المللی و رژیم صهیونیستی برای مهار انتفاضه و خلع سلاح مقاومت تحت فشار قرار داشت. براساس این، وی هر چند حضور گروه‌های جهادی به ویژه حماس را در انتخابات عامل تزلزل جایگاه فتح می‌دانست، اما امیدوار بود با برگزاری این انتخابات، پارلمان جدید فلسطین با مشارکت اکثریت گروه‌ها تشکیل شود و او این امر را به عنوان کارکرد مثبت خود ثبت نماید و با حضور اعضای مقاومت در پارلمان تا حدودی خط مشی نظامی را به سیاسی برگرداند.

ابومازن تشکیل پارلمان را گامی دیگر برای برخوردار شدن از کمک‌های اقتصادی و سیاسی محافل خارجی برای سازماندهی تشکیلات اداری و اجرایی دولت خودگردان تلقی می‌کرد.

از طرف دیگر عملکرد و مواضع حماس بیانگر این امر بود که آنها سعی دارند تا با حضور در پارلمان به نوعی مشروعیت سیاسی دست یابند و از لیست گروه‌های تروریستی خارج شده و به عنوان یک گروه سیاسی مشروع و رسمی معرفی شوند و به عنوان جریانی مقتدر در پارلمان، ضمن استمرار بخشیدن به اهداف مقاومت، بر عملکرد تشکیلات خودگردان و بر روند مذاکرات با رژیم صهیونیستی و سایر بازیگران خارجی نظارت نمایند و خواسته‌های ملت فلسطین را در چارچوب قانونگذاری و نظارت بر دستگاههای اجرایی، محقق سازند. با نگاهی به اهداف غرب و رژیم صهیونیستی که قبل و بعد از انتخابات پارلمانی اعلام گردید، می‌توان به درستی راهی که حماس انتخاب کرد، پی برد. این اهداف عبارتند از:

۱. با اعمال فشار بر گروههای مقاومت و مشروط کردن حضور آنها در انتخابات، خلع سلاح و زمینه تغییر جهت‌گیری آنها از بعد نظامی به بعد سیاسی را فراهم آورند.

۲. با ایجاد تشکل‌های سیاسی در فلسطین و یا سرعت دادن به اتخاذ مشی سیاسی، راه را برای اجرای نقشه راه هموار نمایند.

۳. به ایجاد اختلاف میان گروههای مقاومت بپردازند؛ یعنی با دامن زدن به اختلاف بین دو نگرش مقابله سیاسی و نظامی با رژیم صهیونیستی، انشعاب و تضعیف آنها را پدید آورند.

۴. خارج کردن تدریجی گروههای جهادی از صحنه مبارزاتی؛ به این معنا که حضور حماس در پارلمان، می‌تواند منجر به تنها ماندن جنبش جهاد اسلامی و در نهایت، اجبار به ترک سلاح و روی آوردن به روند سیاسی گردد.

۵. معطوف شدن مقاومت و تشکیلات خودگردان به برگزاری انتخابات و صاف‌بندی‌های سیاسی و کم‌توجهی به فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری، جولان و بیت‌المقدس و...<sup>۲۴</sup> پس از پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین که در آن ۷۲۶ نامزد در سه منطقه کرانه باختری، قدس شرقی و غزه برای تصاحب ۱۳۲ کرسی پارلمانی رقابت داشتند، این جنبش ۷۶ کرسی را به دست آورد و این اکثریت با همراهی ۴ رأی مستقل به ۸۰ کرسی رسید و جنبش فتح با کسب ۴۳ رأی از حماس شکست خورد.

سخنگوی رژیم صهیونیستی در اولین اقدام، شرط این رژیم، برای گفتگو با کابینه‌ای که حماس در آن عضویت داشته باشد را عدم توسل به اقدام نظامی و محکوم کردن آن و کنار گذاردن هدف اعلام شده خود مبنی بر نابودی اسرائیل دانست. از طرف «موشه کاتساو» رئیس

جمهور وقت رژیم غاصب فلسطین در جلسه اضطراری حزب لیکود بعد از پیروزی حماس گفت: «با تشکیل دولت حماس در فلسطین ما با دولتی مشابه ایران، اما نه در فاصله ۱۰,۰۰۰ کیلومتری تل‌آویو، بلکه این بار در هزار متری خود مواجه هستیم.» جنبش مقاومت اسلامی نیز با تأکید بر مواضع گذشته خود در مقابل رژیم صهیونیستی، گام نهادن به عرصه مشارکت سیاسی را به هیچ وجه به معنای بر زمین گذاشتن سلاح ندانست بلکه این اقدام را به معنای گشودن عرصه‌ای دیگر برای مبارزه علیه اشغالگران معرفی نمود. محمود الزهار از رهبران ارشد حماس در جمله‌ای کوتاه مشارکت سیاسی این جنبش را «گلوله در کنار صندوق رأی» توصیف کرد.

### حماس، تجربه‌های گذشته و افق فرا رو

حماس در طول حیات ۲۰ ساله خود برای دستیابی به حقوق مردم فلسطین از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و تهدیدها، تطمیع‌ها و یافریب دشمنان در او اثرگذار نبوده است. این جنبش با تکیه بر بنیادها و مفاهیم فکری خود و با انتخاب رویکردهای آگاهانه همواره توانسته است، سیاست‌ها و مواضع راهبردی و دقیقی برای نیل به اهداف عالی خویش برگزیند. تداوم این حرکت مشروعیت سیاسی حماس را به دنبال داشته است، عاملی که به عنوان بستر تحقق برنامه‌های اجرای این جنبش، در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی تعریف می‌گردد. با تحقق این هدف حماس توانسته جایگاه بلندی در معادلات سیاسی داخلی و بین‌المللی فلسطین پیدا نماید، به شکلی که نادیده گرفتن واقعیت حماس در صحنه سیاسی فلسطین و روند حل و فصل نهایی آن، ناممکن به نظر برسد و این دلیلی بر پویایی، حیات و صلابت جنبشی است که در خط مشی آن انزوا و انفعال معنا ندارد.

حماس پس از حضور در رقابت‌های انتخاباتی، پیروزی خیره‌کننده و تشکیل دولت، همچنان به نقش‌آفرینی در عرصه مسائل فلسطین ادامه می‌دهد. شاید در نگاه اول این رویکرد به عنوان دگردیسی و یا عدول از اهداف استراتژیک حماس به نظر می‌آید، اما اگر به شالوده بنیادهای فکری و اجرایی حماس یعنی میثاق آن با تائی و دقت بنگریم، واضح می‌شود که برخی قسمت‌ها و نظرات موجود در آن به صورت زیرکانه و قابل تفسیر، نگاه به آینده و حل معادلات آینده را، برای حفظ و بقای این جنبش، در نظر گرفته است، حماس به خوبی نشان داده که قابلیت ویژه‌ای در انطباق رویکردهای انتخابی برای آینده فعالیت خویش، دارا می‌باشد، یعنی در حالی که هنوز مبنای تفکر راهبردی خود را انتفاضه می‌داند، مشارکت سیاسی، تشکیل دولت و وحدت ملی، گفتمان سیاسی و نقش و اعمال نفوذ در عرصه فرمانطقه‌ای را نیز به عنوان مبنای تصمیم‌گیری رهبران خود برگزیده است.



از سوی دیگر و پس از وقوع این تحولات حماس مرحله جدیدی از حیات خود را همراه با بحران‌های داخلی و اوضاع و شرایط جدید منطقه خاورمیانه سپری می‌سازد، این مرحله دلالت بر این امر دارد که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در قالب «طرح خاور میانه بزرگ» و پس از شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته برای نابودسازی حماس به توافق رسیده‌اند، این اقدامات شامل:

- برانگیختن افکار عمومی جهانی، منطقه‌ای و عربی بر ضد جنبش حماس به عنوان یک سازمان تروریستی که اهداف خود را در قالب مشارکت سیاسی و انجام فعالیت سیاسی دنبال می‌نماید.

- تضعیف و انزوای داخلی حماس از طریق محاصره، تحریم و عملیات نظامی در نوار غزه (مرکز اصلی استقرار جنبش و دولت حماس) و دامن زدن به ناراضی‌ها و اعتراضات عمومی.

- تعطیلی مراکز خیریه وابسته به جنبش حماس و تأسیس سازمان‌های خدمات عمومی با امکانات و اعتبارات فراوان به سرپرستی دولت انتصابی (سلام فیاض) برای انزوا و اضعاف جنبش حماس.

- افزایش کمک‌های مالی و خدماتی به فلسطینی‌های کرانه باختری (محل استقرار تشکیلات خودگردان) تا بدین ترتیب دو چهره متفاوت از یک ملت ترسیم گردد، یکی در رفاه کامل و دیگری در فقر و بیچارگی.

- فراخوان برگزاری کنفرانس صلح به منظور تشکیل کشور فلسطینی و حل مسئله فلسطین برای همیشه و به موازات آن تقویت جایگاه جنبش فتح، سازمان آزادیبخش فلسطینی و تشکیلات خودگردان.<sup>۲۵</sup> طراحان این معادله، مترصد وقوع جنگ داخلی میان فلسطینی‌ها و بروز قیام مردمی علیه جنبش مقاومت اسلامی حماس می‌باشند.

حماس نیز همچون گذشته بر مبنای اعتقادات، بنیادهای فکری و رویکردهای آگاهانه خویش، موضوع وحدت ملی، و تحریم جنگ داخلی را سرلوحه برنامه‌های راهبردی خود قرار داده است و ضمن افشای اهداف پشت پرده زمینه‌سازان بحران از گفتگو به عنوان یگانه راه حل بحران جاری فلسطین نام می‌برد، تقویت مناسبات خارجی و اقدامات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حماس و استفاده از نقش فعال بازیگران و عناصر تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل، استراتژی زیرکانه دیگری است که رهبران این جنبش را با تأسی از جنبش مقاومت اسلامی لبنان، بر آن واداشته است البته حماس این حقیقت را به خوبی می‌داند که همراهی مردم، پیروزی قطعی را به دنبال خواهد داشت زیرا ملت فلسطین مسلمان‌اند و از مرگ نمی‌هراسند و سعادت خود را در شهادت می‌بینند. این سندی است که رهبران گذشته حماس و مردم مظلوم فلسطین، با خون خویش ادامه حیات آن را امضا نموده‌اند.

## پی‌نوشتها:

۱. ابوالقاسم قاسم‌زاده، «نگاهی به جنبش اسلامی حماس»، فصلنامه علوم سیاسی، (تابستان ۸۳) ص ۴۸-۴۹.
۲. مرتضی شیرودی، «حماس گذشته، حال، آینده» فصلنامه اندیشه تقریب، (پاییز ۸۵) ص ۸۵.
۳. وائل کریم، «حماس، چالش‌ها و تاکتیک‌ها» ماهنامه پیام فلسطین، (شماره ۴۵) ص ۴۲.
۴. این گردان‌ها فعالیت خویش را در چارچوب پیکار مسلحانه منحصر کرده و در این زمینه به شیخ عزالدین قسام که از آغاز دهه ۲۰ خواهان مبارزه مسلحانه شد و در نوامبر ۱۹۳۵ در اثر درگیری با پلیس استعماری انگلستان به شهادت رسید، اقتدا می‌کند. عزالدین قسام به اهمیت مبارزه مسلحانه در چارچوب جهاد در راه خدا و میهن توجه داشت و آن را برترین راه برای آزادسازی فلسطین می‌دانست. موسی ابومرزوق مؤسس اولیه این گردان هم اکنون جانشین مسئول دفتر سیاسی حماس یعنی خالد مشعل به شمار می‌آید.
۵. وائل کریم، همان، ص ۴۳-۴۴.
۶. میناق جنبش مقاومت اسلامی، ص ۱-۳۴.
۷. شیخ احمد یاسین، (مصاحبه شخصی)، روزنامه الشرق الوسط، ۴/۷/۲۰۰۴.
۸. جواد الحمد، ایاد برغوثی، «سیری در اندیشه سیاسی حماس»، ترجمه سید حسن موسوی (تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۱۳۸۲) ص ۴۵-۴۷.
۹. میناق، همان، ص ۸-۲۰.
۱۰. محمد نزال، «الانتفاضه، الانجاز السياسي والمستقبل»، مجله قضایا دولیه، شماره ۱۵۴، دسامبر ۱۹۹۲.
۱۱. یاسر الزعتره، «جنگ علیه حماس»، سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ۱۳۸۵.
۱۲. میناق، همان، (ماده ۲۵ و ۱۲).
۱۳. علی الجریاوی، «حماس، مدخل الاخوان المسلمین الی الشرعیه السیاسیه»، مجله دراسات فلسطینیه، (شماره ۲۰) ص ۷۱-۷۲.
۱۴. دکتر ایاد البرغوثی، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ملی النجاح نابلس می‌باشد، وی مطالعات فراوان، و آثار متعددی در مورد جنبش اسلامی در فلسطین داشته و دارد.
۱۵. ایاد البرغوثی، «الاسلمة والسیاسة فی الارضی الفلستینیه المحتله»، (مرکز مطالعات و پژوهش‌های الزهراء، قدس، ۱۹۹۰، ص ۲).
۱۶. الحمد، همان، ص ۱۸۹-۱۹۲.
۱۷. سایت اطلاع‌رسانی فلسطین، [www.Palestin\\_info.info/fa](http://www.Palestin_info.info/fa)، (۱۳۸۴). این سخنان در قسمت تاریخچه مقاومت، درباره تبعیدیان به جنوب لبنان در دسامبر ۱۹۹۲ به عنوان «ما می‌مانیم» منعکس شده است.
۱۸. نگاه کنید به: متن کامل مصاحبه، روزنامه الوطن، چاپ غزه، ۱۹/۱/۱۹۹۸.
۱۹. الحمد، همان، ص ۱۸۲-۱۹۷.
۲۰. سایت اطلاع‌رسانی فلسطین، (۱۳۸۵)، قسمت دیدگاه اسلامی، اسناد و بیانیه‌ها، شماره (۴).
۲۱. الحمد، همان، ص ۲۵۵-۲۵۸.
۲۲. مرتضی شیرودی، «ریشه، بستر و چالش‌های نهضت‌های اسلامی»، ماهنامه زمانه، شماره ۴۵ و ۴۶ (خرداد و تیر ۱۳۸۵) ص ۲۶-۳۳.
۲۳. شیرودی، «حماس، گذشته، حال، آینده»، همان، ص ۹۲-۹۴.
۲۴. احمد موفقی «مسائل جنبش‌های اسلامی»، ماهنامه زمانه، شماره ۴۵ و ۴۶ (خرداد و تیر ۱۳۸۵) ص ۳-۸.
۲۵. نشریه پیام فلسطین، قسمت رخدادهای، «مخالفت با گفتمان داخلی؛ خواستی صهیونیستی آمریکایی»، شماره ۴۷ (شهریور ۱۳۸۶) ص ۷۰-۷۲.